

کتاب دانیال - شماره یکصد و شصت و دو

زمان نبوتی روم: آشکار ساختن رؤیا

Jeff Pippenger

2024-03-27

روم چشمه انداز را برقرار می سازد، و روم در «زمان» خود آشکار می شود. این بیانی از خواهر وایت است که در آن اظهار می دارد آنچه باید بدیهی دانسته شود، چنین است:

«مکاشفه کتابی مَهرشده است، اما همچنین کتابی گشوده است. این کتاب رویدادهای شگفت انگیزی را ثبت می کند که باید در روزهای آخر تاریخ این زمین واقع شوند. تعالیم این کتاب معین و روشن اند، نه رازآلود و نامفهوم. در آن، همان خط نبوتی دنبال می شود که در دانیال آمده است. خدا بعضی نبوت ها را تکرار کرده است، و بدین سان نشان داده است که باید به آنها اهمیت داده شود. خداوند چیزهایی را که اهمیت چندانی ندارند تکرار نمی کند.» Manuscript Releases, جلد 9، 8.

«خداوند چیزهایی را که از اهمیت بزرگی برخوردار نیستند تکرار نمی کند» و «زمان ها» ی مربوط به روم بارها و بارها تکرار شده اند. درک «زمان» مربوط به روم از «اهمیت بزرگی» برخوردار است، زیرا همین است که روم را به عنوان موضوعی که رؤیا را برقرار می سازد آشکار می کند. هفت بار، هزار و دویست و شصت سال حاکمیت پاپی در دانیال و مکاشفه به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است.

او بر ضد حضرت اعلیٰ سخنان عظیم خواهد گفت، و مقدسین حضرت اعلیٰ را فرسوده خواهد ساخت، و در دل خواهد اندیشید که اوقات و شریعت را تغییر دهد؛ و ایشان تا زمانی و زمان ها و نصف زمان به دست او سپرده خواهند شد. دانی ایل 7:25

اور میں نے اُس مرد کو سنا جو کتان کے لباس میں ملبوس تھا اور دریا کے پانیوں کے اوپر تھا، جب اُس نے اپنا دہنا ہاتھ اور اپنا بایاں ہاتھ آسمان کی طرف اٹھایا اور اُس کی قسم کھائی جو ابدالآباد زندہ ہے کہ یہ ایک زمانہ، زمانہ، اور نصف زمانہ کے لیے ہوگا؛ اور جب وہ مقدس لوگوں کی قوت کو پراگندہ کرنا پورا کر چکے گا تو یہ سب باتیں تمام ہو جائیں گی۔ دانی ایل 12:7.

لیکن جو صحن ہیکل کے باہرے اسے چھوڑ دے اور اس کی پیمائش نہ کر، کیونکہ وہ غیر قوموں کو دیا گیا ہے؛ اور وہ مقدس شہر کو بیالیس مہینے تک پامال کریں گے۔ مکاشفہ 11:2

اور میں اپنے دو گواہوں کو اختیار دوں گا، اور وہ ٹاٹ اوڑھے ہوئے ایک ہزار دو سو ساٹھ دن تک نبوت کریں گے۔ مکاشفہ 11:3.

و آن زن به بیابان گریخت، جایی که از جانب خدا برای او مکانی آماده شده بود تا او را در آنجا هزار و دویست و شصت روز پرورش دهند. مکاشفہ ۱۲:۶.

اور اُس عورت کو ایک بڑے عقاب کے دو پر دیے گئے، تاکہ وہ اُڑ کر بیابان میں اپنی اُس جگہ پہنچ جائے، جہاں وہ سانپ کے سامنے سے ایک زمانہ، اور زمانہ، اور آدھا زمانہ تک پرورش پاتی ہے۔ مکاشفہ 12:14

و به او دھانی داده شد که سخنان بزرگ و کفرآمیز می گفت؛ و به او قدرت داده شد تا چهل و دو ماه دوام آورد. مکاشفہ ۱۳:۵.

این هفت ارجاع مستقیم، ویژگی‌های نبوی مشخص و متفاوتی از روم را عرضه می‌کنند. روم در همین آیات مکشوف می‌گردد. خواهر وایت می‌افزاید که این ادوار همچنین به صورت «سه سال و نیم یا ۱۲۶۰ روز» نیز نمایش داده شده‌اند. شما در کتاب مقدس نه «سه سال و نیم» را می‌یابید و نه «هزار و دویست و شصت روز» را. خواهر وایت صرفاً محاسبه این هفت ارجاع را بر همان اساس به کار می‌برد.

در فصل ۱۳ (آیات ۱-۱۰) از وحشی دیگر توصیف شده است، «مانند پلنگ»، که اژدها «قدرت خود و تخت خود و اقتدار عظیم» را به او داد. این نماد، چنان‌که بیشتر پروتستان‌ها باور داشته‌اند، نمایانگر پاپیت است که وارث قدرت و تخت و اقتداری شد که زمانی در اختیار امپراتوری روم باستان بود. درباره آن وحش پلنگ مانند اعلام شده است: «بدو دهانی داده شد که سخنان بزرگ و کفرها می‌گفت.... و دهان خود را به کفرگویی بر ضد خدا گشود تا بر نام او و خیمه او و ساکنان آسمان کفر گوید. و بدو داده شد که با مقدسان جنگ کند و بر ایشان غالب آید؛ و او را بر همه قبایل و زبان‌ها و امت‌ها اقتدار داده شد.» این نبوت، که تقریباً با توصیف شاخ کوچک در دانیال ۷ یکسان است، بی‌تردید به پاپیت اشاره دارد.

«به او قدرت داده شد تا چهل و دو ماه ادامه یابد.» و نبی می‌گوید: «دیدم که یکی از سرهایش گویی تا سرحد مرگ زخمی شده بود.» و نیز: «هر که به اسیری ببرد، خود به اسیری خواهد رفت؛ و هر که با شمشیر بکشد، باید با شمشیر کشته شود.» چهل و دو ماه همان «زمان و زمان‌ها و نصف زمان» است، یعنی سه سال و نیم، یا ۱۲۶۰ روز مذکور در دانیال ۷—مدتی که در طی آن، قدرت پاپی می‌بایست قوم خدا را تحت ستم قرار دهد. این دوره، چنان‌که در فصل‌های پیشین بیان شده است، با برتری پاپیت در سال ۵۳۸ میلادی آغاز شد و در ۱۷۹۸ پایان یافت. در آن زمان، پاپ به دست ارتش فرانسه به اسارت گرفته شد، قدرت پاپی زخم کشنده خود را دریافت کرد، و این پیشگویی تحقق یافت: «هر که به اسیری ببرد، خود به اسیری خواهد رفت.» مصیبت عظیم، ۴۳۹.

با اختیار موبوب الهامی که ساژھے تین برس کو بھی اُس "وقت" کے طور پر سمجھا جائے جو روم کو "منکشف" کرتا ہے، روم کے متعلق بائبل کے دیگر حوالہ جات بھی سامنے آتے ہیں۔

لیکن میں تم سے سچ کہتا ہوں کہ ایلپاہ کے ایام میں، جب آسمان تین برس اور چھ مہینے تک بند رہا، اور تمام ملک میں سخت قحط پڑا، اسرائیل میں بہت سی بیوائیں تھیں۔ لوقا 4:25۔

سه سال و نیم ایلپا، این زمان را با ایزابل پیوند می‌دهد؛ ایزابل که نماذ روم پاپی در کلیسای طیاتیرا است.

با این همه، چند چیز بر تو دارم، زیرا آن زن ایزابل را که خود را نبیّه می‌خواند، اجازت می‌دهی تا بندگان مرا تعلیم دهد و ایشان را بفریبید تا مرتکب زنا شوند و از قربانی‌های بت‌ها بخورند. و به او مهلت دادم تا از زناى خویش توبه کند، اما توبه نکرد. مکاشفه ۲:۲۰، ۲۱

«زمانی» که به کلیسای چهارم، که به وسیله ایزابل نمایانده شده است، داده شد، همچنین «مهلتی» است.

الیاس مردی بود هم‌سرشت ما، و با الحاج دعا کرد که باران نبارد؛ و تا مدت سه سال و شش ماه، بر زمین باران نبارید. یعقوب ۵:۱۷

در تفسیر این که چهل و دو ماه همان هزار و دویست و شصت روز است، خواهر وایت این دوره را «آن ایام» معرفی می‌کند که مسیح به آن اشاره کرده بود.

«دوران‌هایی که در اینجا ذکر شده‌اند—چهل و دو ماه» و «هزار و دویست و شصت روز» —یکی هستند و هر دو به یکسان نمایانگر زمانی‌اند که در آن کلیسای مسیح می‌بایست از سوی روم

متحمل ستم شود۔ ۱۲۶۰ سال برتری پاپی در سال ۵۳۸ میلادی آغاز شد، و بنابراین در ۱۷۹۸ پایان می یافت۔ در آن زمان، سپاهی از فرانسه وارد روم شد و پاپ را اسیر ساخت، و او در تبعید درگذشت۔ هرچند اندکی پس از آن پاپی جدید برگزیده شد، سلسله مراتب پاپی از آن زمان تاکنون هرگز نتوانسته است قدرتی را که پیش از آن در اختیار داشت، اعمال کند۔

«کلیسا کی ایذارسانی پورے 1260 برس کے تمام عرصے تک جاری نہ رہی۔ خدا نے اپنے لوگوں پر رحم کرتے ہوئے ان کی آتشیں آزمائش کے زمانے کو مختصر کر دیا۔ کلیسا پر آنے والی "بڑی مصیبت" کی پیشین گوئی کرتے ہوئے نجات دہندہ نے فرمایا: "اور اگر وہ دن گھٹائے نہ جاتے تو کوئی بشر نہ بچتا؛ لیکن برگزیدوں کی خاطر وہ دن گھٹائے جائیں گے۔" متی 24:22۔ اصلاح مذهب کے اثر سے 1798 سے پہلے ہی ایذارسانی کا خاتمہ ہو گیا۔» — The Great Controversy, 266

مسیح و خواہر وایت عبارتِ «آن ایام» را به منزلهٔ «زمان» معرفی می کنند؛ همان زمانی که روم پاپی را مشخص می سازد۔ هنگامی که دانیال در آیہ سی و یک فصل یازدهم از آزار و اذیتی سخن می گوید که در پی نشان دادن پاپیت بر تخت زمین پدید آمد، از آن دوره جفا به عنوان «روزهای بسیار» یاد می کند۔

و بازوانی از جانب او برپا خواهند شد، و مقدس حصین را نجس خواهند ساخت، و قربانی دائمی را برخوانند داشت، و رجاست ویران کننده را برپا خواهند نمود۔ و آنان را که بر ضد عهد شرارت می ورزند، به چاپلوسی فاسد خواهد ساخت؛ اما قومی که خدای خود را می شناسند، استوار خواهند بود و کارهای عظیم خواهند کرد۔ و خردمندان قوم، بسیاری را تعلیم خواهند داد؛ با این همه، روزهای بسیار به شمشیر و آتش و اسیری و تاراج فرو خواهند افتاد۔ دانیال 11:31-33

روم در پیوند با زمان نبوی ای که با آن مرتبط است آشکار می شود؛ از همین روست که پولس می گوید مرد گناه در «زمان خود» آشکار خواهد شد۔ این واقعیت که روم رؤیا را برقرار می سازد—رؤیایی که اگر آن را ندانیم، هلاک می شویم—مشخص می کند چرا آن زمان نبوی بدین سان مکرر و به شیوه های گوناگون بازنمایی شده است؛ زیرا خداوند «اموری را که اهمیت بزرگی ندارند تکرار نمی کند۔» در آیات پیشین، پایان آن دوره زمانی نیز مشخص شده است۔

اور جو لوگ قوم میں فہم رکھتے ہیں وہ بہتوں کو تعلیم دیں گے؛ لیکن وہ تلوار سے، اور آگ سے، اور اسیری سے، اور لوٹ سے، بہت دنوں تک گرتے رہیں گے۔ اور جب وہ گریں گے تو تھوڑی سی مدد سے ان کی اعانت کی جائے گی؛ لیکن بہت سے لوگ چاپلوسی کے ساتھ ان سے مل جائیں گے۔ اور اہل فہم میں سے بعض گریں گے تاکہ ان کو آزمایا جائے، اور پاک کیا جائے، اور سفید بنایا جائے، یہاں تک کہ آخر کے وقت تک؛ کیونکہ یہ ابھی مقررہ وقت کے لیے۔ دانی ایل 11:33-35۔

«زمان آخر» «هنوز برای زمانی معین است.» واژهٔ عبری «معین» «موعد» است، و به معنای زمانی ثابت یا وقتی از پیش تعیین شده می باشد۔ ارتباط نبوی و اهمیتِ «زمان معین» در کتاب دانیال از کثرتِ اشارات به آن شناخته می شود۔ بسیار اندک از ادونتیست های لائودیکیه، اگر اصلاً کسی باشد، تشخیص می دهند که سال ۱۹۸۹ «زمان آخر» بود، و از این رو ۱۹۸۹ زمانی معین بود۔ این موعدی بود که خدا مقرر کرده بود تا در آن معرفت را برای جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر از مهر بگشاید۔ از همین رو، کتاب دانیال شواهدی فراهم می آورد بر این حقیقت که «زمان معین» فرا رسیدنِ «زمان آخر» را نشان می دهد۔ در دانیال هشت، این نماذ نبوی عرضه شده است۔

اور میں نے اولای کے کناروں کے درمیان ایک آدمی کی آواز سنی، جو پکار کر کہہ رہی تھی، اے جبرائیل، اس شخص کو اس رویا کا مطلب سمجھا دے۔ پس وہ اُس جگہ کے نزدیک آیا جہاں میں کھڑا تھا؛ اور جب وہ آیا تو میں خوف زدہ ہوا اور منہ کے بل گر پڑا؛ لیکن اُس نے مجھ سے کہا، اے ابن آدم، سمجھ لے، کیونکہ یہ رویا آخر زمانہ کے لیے۔ اور جب وہ مجھ سے کلام کر رہا تھا تو میں منہ کے بل زمین کی طرف گہری نیند میں تھا؛ لیکن اُس نے مجھے چھوا اور سیدھا کھڑا کر دیا۔ پھر

اُس نے کہا، دیکھ، میں تجھے بتاتا ہوں کہ قہر کے آخری انجام میں کیا ہو گا، کیونکہ مقررہ وقت پر انجام واقع ہو گا۔ دانی ایل 16:8-19۔

ہمان گونہ کہ در فصل یازدہم، واژہ «پایان» در عبارت «زمان پایان» در این آیات، واژہای عبری متفاوت از واژہای است کہ به «معین» ترجمہ شدہ است۔ زمان پایان نمایانگر دورہای است کہ در زمان معین آغاز می شود۔ «زمان معین» (moed) یک موعّد است، و زمان پایان (واژہ عبری «gets») دورہای از زمان است کہ از آن زمان معین آغاز می گردد۔ این همان «زمانی» است کہ روم را آشکار می سازد، و آن «زمان» چنان اہمیت دارد کہ پایان آن دورہ زمانی، و دورہای کہ پس از پایان آن زمان می آید، بہ وسیلہ چندین شاهد بہ تصویر کشیدہ شدہ اند۔ در آیہ بیست و چہار فصل یازدہم دانیال، روم بت پرست چنین معرفی شدہ است کہ برای یک «زمان» بر جہان فرمان می راند۔

ایک رمزی «وقت» تین سو ساٹھ سال کے برابر ہے، کیونکہ بائبل سال میں تین سو ساٹھ دن ہوتے ہیں۔ بت پرست روم نے ایک «وقت» تک حکومت کی، اور پاپائی روم نے «ایک وقت، اوقات اور نصف وقت» تک حکومت کی۔ جدید روم ایک رمزی «گھنٹہ»، یا ایک رمزی «بیالیس مہینوں» تک حکومت کرتا ہے۔ 1844 کے بعد کوئی نبوتی وقت نہیں ہے، اس لیے «گھنٹہ» اور «بیالیس مہینے» اُس مدت کو ظاہر کرتے ہیں جو عنقریب آنے والے اتوار کے قانون سے لے کر انسانی مہلت آزمائش کے خاتمہ تک محیط ہے۔ لیکن بت پرست روم نے اپنی کامل بالادستی 31 قبل مسیح میں ایکٹیم کی جنگ سے لے کر سنہ 330 میں قسطنطین کے سلطنت کے دارالحکومت کو قسطنطنیہ منتقل کرنے تک قائم رکھی۔ ہم جانتے ہیں کہ درج ذیل آیات بت پرست روم ہی کے بارے میں ہیں، کیونکہ مسیح کو «عہد کے رئیس» کے طور پر پیش کیا گیا ہے جو مصلوب کیے جانے کے وقت «توڑا جائے گا»۔ اُس وقت جو قوت حکمران تھی وہ بت پرست روم تھی، پس جن آیات پر ہم اب غور کرنے جا رہے ہیں وہ بت پرست روم کی نشان دہی کرتی ہیں۔

اور اُس کی جگہ ایک خسیس شخص کھڑا ہوگا، جسے سلطنت کی عزت نہ دی جائے گی؛ لیکن وہ امن کے ساتھ آئے گا اور چارلسیوں کے ذریعے سلطنت حاصل کر لے گا۔ اور سیلابی لشکروں کے بازو اُس کے سامنے سے بہا دیے جائیں گے اور توڑ دیے جائیں گے؛ ہاں، عہد کے رئیس بھی۔ اور اُس کے ساتھ عہد باندھے جانے کے بعد وہ فریب سے کام لے گا؛ کیونکہ وہ چڑھ آئے گا اور تھوڑے سے لوگوں کے ساتھ زور اور ہو جائے گا۔ وہ امن کے ساتھ صوبہ کے نہایت زرخیز مقامات تک بھی داخل ہوگا؛ اور وہ وہ کچھ کرے گا جو نہ اُس کے باپ دادا نے کیا تھا، نہ اُن کے باپ دادا نے؛ وہ اُن میں لوٹ، غنیمت اور دولت تقسیم کرے گا؛ ہاں، وہ ایک وقت تک مضبوط قلعوں کے خلاف اپنی تدبیریں سوچتا رہے گا۔ دانی ایل 11:21-24۔

لفظ «ضد» در عبارت پایانی آیات، در واقع بہ معنای «از» است، و آیہ می گوید کہ روم بت پرست بہ مدت سیصد و شصت سال «از» دژ استوار خود (شہر روم) فرمان خواہد راند (نیرنگ های خود را پیش خواہد برد)۔

«آیہ 24۔ او بہ سلامت، حتی بہ حاصل خیزترین نواحی ولایت، وارد خواہد شد؛ و کاری را انجام خواہد داد کہ نہ پدرانہ کردہ اند و نہ پدران پدرانہ؛ و غنیمت و تراج و اموال را در میان ایشان پراکنده خواہد ساخت؛ آری، تدابیر خود را بر ضد دژها طرح خواہد کرد، اما فقط برای مدتی۔»

«شیوہ معمولی کہ ملت ها پیش از روزگار روم بدان وسیلہ بہ ایالات ارزشمند و سرزمین های غنی دست می یافتند، جنگ و فتح بود۔ اکنون روم می بایست کاری را انجام دہد کہ نہ پدران و نہ پدران پدرانہ انجام دادہ بودند؛ یعنی این متصرفات را از راہ های مسالمت آمیز بہ دست آورد۔ اکنون رسمی، کہ پیش از آن ہرگز شنیدہ نشدہ بود، برقرار شد: پادشاہان پادشاہی های خود را بہ موجب وصیت برای رومیان بہ جا می گذاشتند۔ روم از این راہ مالک ایالات بزرگی شد۔»

«و آنان که بدین‌گونه تحت سلطهٔ روم درآمدند، از آن بهره‌ای اندک نبردند. با ایشان به مهربانی و مدارا رفتار می‌شد. گویی غنیمت و تاراج در میان‌شان تقسیم می‌گردید. از دشمنان خود محفوظ می‌ماندند و زیر چتر قدرت روم، در صلح و امنیت، آرام می‌گرفتند.»

«در بخش پایانی این آیه، اسقف نیوتن این معنا را می‌دهد که تدابیری از دژها طرح می‌شود، نه بر ضد آنها. رومیان نیز چنین کردند، از دژ استوار شهر هفت‌تپه‌ای خویش. "حتی برای مدتی؛" بی‌گمان مقصود زمانی نبوی، یعنی ۳۶۰ سال، است. این سال‌ها را باید از چه نقطه‌ای تاریخ‌گذاری کرد؟ احتمالاً از واقعه‌ای که در آیه بعد به معرض دید آورده شده است.»

«آیه ۲۵. و او قوّت و دلیری خود را با لشکری عظیم بر ضدّ پادشاه جنوب برخاوه‌د انگيخت؛ و پادشاه جنوب نیز برای جنگ با لشکری بسیار بزرگ و نیرومند برانگيخته خواهد شد؛ اما پایدار نخواهد ماند، زیرا که بر ضدّ او تدابیری خواهند اندیشید.»

«در آیات ۲۳ و ۲۴، ما از آن‌سوی پیمان میان یهودیان و رومیان، در سال ۱۶۱ پیش از میلاد، به زمانی آورده می‌شویم که روم سلطه‌ای جهان‌شمول به دست آورده بود. آیه‌ای که اکنون پیش روی ماست، لشکرکشی‌ای نیرومند بر ضد پادشاه جنوب، یعنی مصر، و وقوع نبردی چشمگیر میان سپاه‌یانی عظیم و نیرومند را در معرض دید قرار می‌دهد. آیا رخدادهایی از این‌گونه در تاریخ روم در حدود این زمان به وقوع پیوست؟—آری، پیوست. آن جنگ، جنگ میان مصر و روم بود؛ و آن نبرد، نبرد آکتیوم بود. اکنون بگذارید نگاهی کوتاه به اوضاع و احوالی بیفکنیم که به این درگیری انجامید.» اوربا اسمیت، دانیال و مکاشفه، ۲۷۱–۲۷۳.

در آیات ذیل، دانیال بار دیگر به وقت مُعین و انتها اشاره می‌کند.

וַיַּעֲרֵב אֶת-כָּחוֹ וְאֶת-לִבָּבוֹ עַל-מֶלֶךְ הַנֶּגֶב בְּחֵיל גָּדוֹל; וּמֶלֶךְ הַנֶּגֶב יִתְגַּדֵּל לְמַלְחָמָה בְּחֵיל גָּדוֹל
וְעָצוֹם מְאֹד; וְלֹא יַעֲמֹד، כִּי-יִחַשְׁבּוּ עָלָיו מַחֲשָׁבוֹת. וְגַם אֲכָלֵי פֶתֶךְו יִשְׁכְּרוּהוּ; וַחֲבִילוֹ יִשְׁטוּן,
וְרַבִּים יַפְלוּ חַלְלִים. וּלְבַב שְׁנֵי הַמְּלָכִים הָאֵלֶּה לְמַרְעָה, וְעַל-שָׁלָחַן אֶחָד קָזַב יִדְבְּרוּ; וְלֹא תִצְלַח,
כִּי-עוֹד קֶץ לַחַיָּוָה. וַיֵּשֶׁב אֶרְצוֹ בְּרִכּוּשׁ גָּדוֹל, וּלְבָבוֹ עַל-בְּרִית קִדְשׁ; וְעִשָּׂה וְשָׁב לְאַרְצוֹ. לַחַיָּוָה
יֵשׁוּב וְכָא בְּנֶגֶב; וְלֹא תִהְיֶה כְּרֹאשׁוֹה וְכְאַחֲרָה. דְּנִיאל יֵא: כה-כט.

در فصل هشتم، جبرائیل تصریح کرد که «chazon»، رؤیای دو هزار و پانصد و بیست سال، در وقت معین به پایان خواهد رسید، و سپس دوره‌ای که با «زمان آخر» نمود یافته است آغاز خواهد شد. در این عبارت، وقت معین پایان سیمصد و شصت سالی است که روم بت‌پرست در آن، با برتری مطلق، بر جهان فرمان خواهد راند. در این عبارت هیچ «زمان آخری» وجود ندارد، زیرا چیزی مهر و موم نشده بود که قرار باشد در پایان آن دوره از تاریخ گشوده شود.

در فصل هشتم دانیال، رؤیای «انتهای خشم» که همان دو هزار و پانصد و بیست سال بود و هم‌زمان با دو هزار و سیمصد سال به پایان رسید، تا «زمان آخر» مختوم گردید؛ زیرا در سال ۱۸۴۴، که وقت معین هر دو رؤیا بود، نور فرشته سوم گشوده شد. در دانیال یازده، آیات سی تا سی و شش، در پایان «خشم نخست» در سال ۱۷۹۸، می‌بایست دوره‌ای باشد که به‌صورت «زمان آخر» نمایانده شده است، هنگامی که نور فرشته اول گشوده شد. بنابراین، نبوت زمانی روم مشرک «زمان آخر» نداشت، بلکه فقط «وقت معین» داشت که مشخص می‌ساخت آن سیمصد و شصت سال چه زمانی به پایان می‌رسید؛ اما وقت معین در سال ۱۷۹۸ و وقت معین در سال ۱۸۴۴، هر دو پیامی را گشودند که می‌بایست در دوره‌ای که به‌صورت «زمان آخر» نمایانده شده است، فهمیده شود.

روم همان‌گونه آشکار می‌شود که به‌طور نبوی در چارچوب زمان نبوی خود به تصویر کشیده شده است. «زمان و اوقات و نصف زمان»، «چهل و دو ماه»، «هزار و دویست و شصت روز» و «سه سال و نیم» از جمله نمادهای گوناگونی هستند که دوره‌ای را نشان می‌دهند که در آن پاپیت در طی اعصار

تاریک فرمان راند. دورهٔ زمانی‌ای که جنبش میلری‌ها را به جنبش یکصد و چهل و چهار هزار تن پیوند می‌دهد، یکصد و بیست و شش سال است. عدد یکصد و بیست و شش نیز نمادی از هزار و دویست و شصت روز است، زیرا عشر، یا یک‌دهم آن مقدار، به‌شمار می‌آید. یکصد و بیست و شش سال از شورش ۱۸۶۳ تا وقت معین در ۱۹۸۹، سال ۱۹۸۹ را به‌عنوان موعد خدا با قوم ایام آخر او مشخص می‌سازد.

مور به دا مطالعه په راتلونکې لیکنه کې دوام ورکړو.

«چگونه باید کتب مقدس را تفتیش کنیم؟ آیا باید میخ‌های تعالیم خود را یکی پس از دیگری استوار سازیم، و سپس بکوشیم که تمامی کتاب مقدس را با عقاید از پیش تثبیت‌شده خود منطبق کنیم، یا باید افکار و دیدگاه‌های خود را به نزد کتب مقدس ببریم، و نظریه‌های خویش را از هر سو با نوشتارهای حق بسنجیم؟ بسیاری که کتاب مقدس را می‌خوانند و حتی تعلیم می‌دهند، حقیقت گران‌بهای را که تعلیم می‌دهند یا مطالعه می‌کنند، در نمی‌یابند. مردم به خطاها دل می‌سپارند، حال آنکه حقیقت به‌روشنی معین شده است؛ و اگر فقط تعالیم خود را به کلام خدا عرضه می‌کردند، و کلام خدا را در پرتو تعالیم خویش نمی‌خواندند تا درستی افکار خود را ثابت کنند، در تاریکی و کوری گام نمی‌زدند و خطا را در دل نمی‌پروردند. بسیاری به الفاظ کتاب مقدس معنایی می‌دهند که با آرا و عقاید خودشان سازگار است، و بدین‌سان با تفسیرهای نادرست خویش از کلام خدا، خود را گمراه می‌سازند و دیگران را نیز می‌فریبند. چون به مطالعه کلام خدا می‌پردازیم، باید این کار را با دل‌هایی فروتن انجام دهیم. هر خودخواهی و هر عشق به نوآوری باید کنار نهاده شود. عقایدی که مدت‌ها در دل نگاه داشته شده‌اند، نباید معصوم از خطا پنداشته شوند. همین unwillingness یهودیان در ترک سنت‌های دیرپای خود، مایهٔ هلاکت ایشان شد. آنان مصمم بودند که هیچ عیبی در عقاید خود یا در تفسیرهای خویش از کتب مقدس نبینند؛ اما هرچند انسان‌ها چه مدت درازی دیدگاه‌های معینی را نگاه داشته باشند، اگر آن دیدگاه‌ها به‌روشنی از سوی کلام مکتوب تأیید نشوند، باید کنار گذاشته شوند.»

«کسانی که صمیمانه خواهان حقیقت‌اند، از این‌که مواضع خود را برای بررسی و نقد آشکار سازند، اکراهی نخواهند داشت، و اگر با عقاید و اندیشه‌هایشان مخالفت شود، آزاده نخواهند شد. این همان روحیه‌ای بود که چهل سال پیش در میان ما گرامی داشته می‌شد. ما با دلی گرانبار گرد هم می‌آمدیم و دعا می‌کردیم تا در ایمان و تعلیم، یک باشیم؛ زیرا می‌دانستیم که مسیح تقسیم نشده است. هر بار، یک موضوع به‌تنهایی مورد بررسی قرار می‌گرفت. وقار و جدیت، ویژگی این شوراهای تحقیق بود. کتاب مقدس با احساسی از خشوع گشوده می‌شد. ما بارها روزه می‌گرفتیم تا برای فهم بهتر حقیقت، شایسته‌تر گردیم. پس از دعای جدی، اگر نکته‌ای فهمیده نمی‌شد، درباره آن گفتگو می‌شد و هر کس آزادانه نظر خود را بیان می‌کرد؛ سپس بار دیگر در دعا سر فرود می‌آوردیم، و تضرعاتی پرشور به آسمان برمی‌خاست تا خدا ما را یاری دهد که هم‌نظر شویم، تا یکی باشیم، همان‌گونه که مسیح و پدر یکی هستند. اشک‌های بسیاری ریخته می‌شد. اگر برادری، برادر دیگر را به سبب کندی فهمش در درک آیه‌ای—چون آن را چنان‌که خود می‌فهمید، در نمی‌یافت—سرزنش می‌کرد، آن که سرزنش شده بود، بعداً دست برادر خود را می‌گرفت و می‌گفت: "بیاید روح‌القدس خدا را محزون نسازیم. عیسی با ماست؛ بگذارید روحیه‌ای فروتن و تعلیم‌پذیر را حفظ کنیم؛" و آن برادری که خطاب به او گفته شده بود، می‌گفت: "برادر، مرا ببخش، من در حق تو بی‌انصافی کرده‌ام." آنگاه بار دیگر برای دوره‌ای دیگر از دعا زانو می‌زدیم. ما ساعت‌های بسیار را بدین‌گونه می‌گذرانیدیم. معمولاً با هم پیش از چهار ساعت در هر نوبت مطالعه نمی‌کردیم؛ با این حال، گاه تمام شب در تحقیق جدی کتاب مقدس صرف می‌شد، تا حقیقت مربوط به زمان خود را دریابیم. در بعضی مواقع، روح خدا بر من می‌آمد، و بخش‌های دشوار از طریق راهی که خدا مقرر کرده بود، روشن می‌شد، و آنگاه هماهنگی کامل برقرار می‌گشت. همه ما یکدل و یک‌روح بودیم.»

«ما با نهایت جدیت در پی آن بودیم که مبدا کتب مقدّس برای انطباق با عقاید هیچ انسانی تحریف گردد. کوشیدیم اختلافات خود را تا حدّ امکان ناچیز سازیم، بدین‌گونه که بر نکاتی که اهمیتی فرعی داشت و درباره آن‌ها آرا متفاوتی وجود داشت، درنگ نکنیم. امّا بار خاطر هر جان این بود که در میان برادران وضعیتی پدید آید که پاسخگوی دعای مسیح باشد، که شاگردان او یکی باشند، چنان‌که او و پدر یکی هستند. گاه یک یا دو تن از برادران به سرسختی خود را در برابر دیدگاه ارائه‌شده قرار می‌دادند و احساسات طبیعی دل را به عمل درمی‌آوردند؛ امّا چون این روحیه ظاهر می‌شد، بررسی‌های خود را متوقف می‌کردیم و جلسه خود را به تعویق می‌انداختیم، تا هر یک فرصت داشته باشد که در دعا نزد خدا برود و، بی‌آنکه با دیگران گفتگو کند، نکته مورد اختلاف را مطالعه نماید و از آسمان طلب نور کند. با ابراز دوستی از یکدیگر جدا می‌شدیم تا هرچه زودتر برای بررسی بیشتر دوباره گرد هم آییم. گاهی قدرت خدا به گونه‌ای آشکار بر ما فرود می‌آمد، و چون نور روشن نکات حقیقت را مکشوف می‌ساخت، با هم می‌گریستیم و شادمانی می‌کردیم. ما عیسی را دوست می‌داشتیم؛ یکدیگر را نیز دوست می‌داشتیم.»

«در آن ایّام خدا برای ما عمل نمود، و حقیقت برای جان‌های ما گران‌بها بود. لازم است که وحدت ما امروز دارای چنان ماهیتی باشد که آزمون ابتلا را تاب آورد. ما در اینجا در مکتب استاد هستیم تا برای مکتب عالم بالا تربیت شویم. باید بیاموزیم که نومی‌دی را به شیوه‌ای مسیح‌وار تحمّل کنیم، و درسی که از این رهگذر تعلیم داده می‌شود برای ما اهمیتی بس بزرگ خواهد داشت.»

«ما درس‌های بسیاری برای آموختن داریم، و بسیار چیزها نیز برای واگذاشتن آنچه آموخته‌ایم. تنها خدا و آسمان معصوم‌اند. آنان که می‌پندارند هرگز ناچار نخواهند شد از دیدگاهی عزیز دست بردارند، و هرگز موقعیتی برای تغییر عقیده نخواهند یافت، نومی‌د خواهند شد. تا هنگامی که با پافشاری استوار بر افکار و آراء خود می‌چسبیم، نمی‌توانیم آن یگانگی را داشته باشیم که مسیح برای آن دعا کرد.» Review and Herald، 26 ژوئیه 1892.